

نامه به یک نویسنده تازه به دوران رسیده

به نظر من اینگونه می آید که شما مسیر درستی را طی نمی کنید . اگر شما خواهان آن هستید که یک شاعر با نویسنده ای واقعی ، که او را توده ها دوست دارند و از او قدردانی می کنند، شوید، شما باید که فعالیت بسیاری در قبال (آموزش) خود انجام دهید . در این امر هیچ دانشگاهی ، هیچ کانون نویسندگانی ، به شما کمک نخواهد کرد.

از محتوای نامه ی شما من نمی توانم ببینم که چه چیزی دل شما را می رنجانند ، چه چیزی - به غیر از جایگاه ادبی خودتان - شما را اشفته می کند. فردی که به زندگی پیرامون خود با دید بی تفاوتی نگاه می کند ، به صلاح (از پشت پنجره کالسکه نویسنده)، هیچگاه یک نویسنده واقعی نمی شود.

شما در (موسسه آنان یکی از بخش صنایع معادن) بوده اید ، ولی آیا شما هیچ ایده ای در زندگی معدنچیان و وضعیت ذهنی آنان دارید ؟ آنان یکی از بخش های پیشتاز پرولتاریا می باشند ، و شما به آنان علاقمند نیستید... امیدوارم که این برخورد صرفا تاکنون اینچنین باشد.

به اعتقاد من ، شما مهندس نخواهد شد، ان نیاز به بافت متفاوتی و آموزش متفاوتی دارد . من به شما توصیه می کنم که بروید در معدنی کار کنید ، از معلوماتی که کسب کرده اید ، استفاده کنید ، در کنار کارگران معمولی کار کنید ، و به شکل زندگی آنان و شرایط سکونت آنان توجه کنید . سپس تم های اشعار شما واقعا زنده خواهند شد و آنچه که شما را به تحرک وامی دارد ، بوجود خواهد آمد.

در بسیاری اوقات خودپسندی مغرورانه زیادی در بین نویسندگان تازه به دوران رسیده ، و حتی بیشتر در بین کارگزاران - مشاهده می شود، اما این انحراف باید کاملا پاکسازی شود.

درد های رفیقانه ،
ن. کروپسکایا .